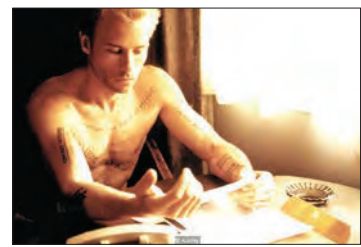


# فیلم‌های برتر قرن تا همین امروز



**فروغ بیداری** | همه ساله فیلم‌های سینمایی فراوانی در سبک‌های گوناگون ساخته می‌شوند. فیلم‌هایی که انواع خوب‌شان در نهایت درک هر چه بهتر انسان از خود و جهان پیرامونش را حاصل می‌آورد؛ و البته در انواعی دیگر علاوه بر این هدف متعالی؛ از واقعیت‌های تلخ زندگی بشر پرده برداشته شناخت جدیدی را برای او به ارمغان می‌آورد...

اما این را نیز باید گفت که فیلم‌های خوب، صرف‌نظر از ژانر و خط روایتی که کارگردان‌های شهیر تاریخ برپای بازگویی داستان‌های موردنظرشان انتخاب کرده‌اند، برخی از فیلم‌های سینمایی با اقبال بیشتری همراه بوده و در طول مسالین نامتدی، همچنان در رأس توجه مخاطبان قرار داشته‌اند. شمار این فیلم‌های بی‌بدیل کم نیست. مطلب زیر نگاهی دارد به شماری از این بهترین‌ها که از ابتدای قرن حاضر تا همین امسال روی پرده آمده‌اند...



## ممنو

ممنوی کریستوفر نولان یک معماری بدون نقطه ضعف از زندگی مردی به نام لئونارد شللی (گای پیرس) است که حافظه کوتاه‌مدت خود را از دست داده و با کمک یادداشت‌ها، خالکوبی‌ها و عکس‌های سعی می‌کند کسی که همسرش را کشته است، پیدا کند و انتقام بگیرد. این فیلم نتو نوار و روان‌مانسان به گونه‌ای ظریف و دقیق ساخته شده که کمتر فیلمی توانسته از ساختار آن کپی کرده و در نهایت موفق شود.

این فیلم مملو از فریب‌کاری‌های عمدی کارگردان است تا ما (بیننده) نیز همچون قهرمان داستان در ابهام و تاریکی حاصل از بی‌خبری بمانیم.

در این فیلم سعی شده تا غیرقابل اعتماد بودن حافظه و گرایش به خودفریبی انسان به تصویر کشیده شود. هم‌زمان نوعی هراس از جرم و جنایت احتمالی را نیز در ذهن بیننده ایجاد می‌کند.

ممنو شامل سکانس‌های سیاه و سفید با روایت خطی و همچنین سکانس‌های رنگی است که وقایع از آخر به اول در آنها روایت می‌شود. در آخر داستان هم این دو نوع روایت به هم پیوند می‌خورند. همچنین گفتنی است که این فیلم نولان مورد تحسین منتقدان قرار گرفته و در فهرست یکصد فیلم برتر تاریخ ثبت شده است.



## پنهان میسائیل هانکه

تمامی فیلم‌های میسائیل هانکه اتریشی قصد شکار کردن ذهن بیننده را دارند. فیلم پنهان او روایتگر زندگی آرام یک خانواده فرانسوی است که به واسطه فیلم‌های ویدیویی نامعولمی که دریافت می‌کنند، تحت تأثیر قرار گرفته و به آشفتگی و بی‌اعتمادی می‌گیرند.

نمای آغازین فیلم، چشم‌انداز بیرونی خانه‌ای در خیابانی فرعی در پاریس را به ما نشان می‌دهد و بیننده شاهد اتفاقاتی روزمره در خیابان است، اما پس از چند دقیقه متوجه می‌شود که این صحنه در واقع یک فضا شناخته شده است که «آن» و «رژ» در حال تماشای آن هستند. این زوج به هیچ عنوان نمی‌دانند که چه کسی این فیلم را گرفته است.

چه منظوری از آن‌ها برایشان ارسال کرده است؟ تأکید اصلی این فیلم دلپره‌آور و گیج‌کننده که بسیار اثرگذار آغاز می‌شود، این است تا به بیننده نشان دهد یک واقعیت ساده که «کسی در حال پدید آمدن است» تا چه اندازه می‌تواند موجب آشفتگی و ایجاد مشکل در زندگی انسان‌ها شود. این زوج به دنبال دریافت فیلم‌های بیشتر، با سوالات و مشکلات لاینحل بیشتری مواجه می‌شوند. تضادهای داخلی و بیرونی، احساس گناه فردی و گروهی مسائلی است که هانکه به واسطه آنها شما را با فردی آشنا می‌کند که با جرم و جنایات خود و پیشینه تاریخی کشورش مواجه است.

با این که رویه‌رو شدن با مجید پس از ۴۰ سال این فرصت را به رژی می‌دهد، تا اشتباهات کودکی خود را اصلاح کند اما این مرد در مواجهه دوباره با فردی که در گذشته به او بدی کرده، از بیله کینه و خشونت بیرون نمی‌آید. گفتنی است که مجید یک فرد الجزایری است که دولت فرانسه در گذشته به کشتار مردم سرزمینش پرداخته بود.



## هتل بزرگ بوداپست

هتل بزرگ بوداپست، خداحافظی قرن ۲۱ به

قرن گذشته است. داستان فیلم از امروز به سال ۱۹۸۵ بعد به ۱۹۶۸ و در آخر به سال ۱۹۳۲ میلادی بازمی‌گردد؛ جایی که مدیر یک هتل بسیار معروف اروپایی به نام گوستاو (رالف فاینس) ما را به دنیایی فانتزی وارد می‌کند. وی در تلاش است تا آرامش هتل را در خلال جنگ حفظ کند، اما در پی درگذشت بانوی مُسنی به نام مادام دئی (تیلدا سوینتون) که رابطه بسیار خوبی با گوستاو داشت، پلیس به گوستاو برای قتل این خانم مظنون می‌شود.

گفتنی است که در فرم روایت داستان هتل بزرگ بوداپست «وس اندرسون» از جابه‌جایی روایات دید به‌عنوان ابزاری برای حرکت در تاریخ استفاده شده است. هر قدر فیلم بیشتر در گذشته پیش می‌رود، سکانس‌ها رنگ‌های زنده‌تر و درخشان‌تر پیدا کرده و شخصیت‌های داستان، فانتزی‌تر می‌شوند.

به‌طور کلی، «هتل بزرگ بوداپست» را می‌توان نمونه بارز یک اثر هنری دانست. وس اندرسون با این فیلم ثابت کرد که می‌شود با دوری از ابتذال و درک فضای هنری، یک فیلم کم‌دی و زیبا و جذاب ساخت.



## مدمگس جاده خشم

جرج میلر با «مگس دیوانه، جاده خشم» یک بلاک‌باستر مدرن است. مد مگس همان‌طور که از نامش پیداست، یک اکشن جنون‌آمیز اما خارج از قاعده ژانر اکشن به حساب می‌آید که نمونه آن پیش از این ساخته نشده است.

جرج میلر بیان این که خشونتی عربیان و افسار گسیخته را در این فیلم به تصویر می‌کشد اما این نمایش نه‌تنها منجرکننده نیست، بلکه به دلیل فرم فانتزی که دارد، بسیار مورد توجه بیننده قرار می‌گیرد.

داستان فیلم پارسا ستاخیزی «مگس دیوانه: جاده خشم» در آینده اتفاق می‌افتد. جایی که منابع طبیعی در حال نابودی و زمین در حال تبدیل شدن به بیابانی بی‌انتهاست که نسل بشر را به ورطه نابودی می‌کشاند. همچنین هرچ‌موج همه جا را فرا گرفته و گروه‌های باغی حکمفرمای منطقه شده‌اند.

مگس با بسازی تام هاردی پس از دستگیری، به‌عنوان بانک خون برای یکی از اعضای گروه بچه‌های جنگ به نام نوکس (نیکلاس هولت) تعیین می‌شود. با این که انتظار می‌رود سرنوشت تلخی برایش رقم بخورد اما عصبان و شورش زنی به نام فیروسیا (شارلیز ترول) با همکاری پنج همسر جوانی (پادشاه) باعث می‌شود تا داستان به گونه‌ای هیجان‌انگیز رقم می‌خورد.



## روبان سفید

«یک گروه از کودکان در سکوت و به‌طور دسته‌جمعی به انجام جنایت می‌پردازند.» با قرار دادن موقعیت داستان در یکی از روستاهای شمال کشور آلمان در ماه‌های پیش از جنگ جهانی اول، هانکه نه‌تنها بی‌گناه بودن و معصومیت کودکان را به چالش کشیده، بلکه دقیقاً عکس این باور را نمایش داده است.

یکی دیگر از شاهکارهای این کارگردان اتریشی،

حکایت کشیش سختگیری در یک دهکده کوچک است که با بستن روبات سفیدی در دست‌های فرزندان می‌کوشد تا به آنها یادآوری کند تا پستی و معصومیت خود را هرگز فراموش نکنند. اما فیلم، نمایش معصومیت نیست، بلکه فقدان معصومیت را به تصویر می‌کشد؛ چرا که وقتی کودکان با ناملایمتی‌ها و عدم توجه و محبت از سوی بزرگان اجتماع روبه‌رو هستند، مجبور به احترام ظاهری می‌شوند. این امر سبب بروز آسیب‌های جدی‌تر در دوران بزرگسالی می‌شود. هانکه در این اثر خود به مسائل جنسی و آزار جنسی کودکان و زنان اشاره‌های زیادی دارد.

گفتنی است که این فیلم درام، برنده جایزه نخل طلای شمش‌ودومین دوره جشنواره فیلم کن شد.



## هزار تویی پن

ایا سالی پربرتر و میمون تر از ۲۰۰۶ برای «گیرم مدل تورو» وجود دارد؟ او با ساخت این فیلم فانتزی تارک به زبان اسپانیایی توانست نظر مثبت منتقدان و تماشاگران بسیاری را در سراسر جهان از آن خود کند. به‌طوری که در جشنواره کن، این فیلم پس از پخش با ۲۰ دقیقه تشویق حاضران همراه شد.

هزار تویی پن، نامزد ۶ جایزه اسکار از جمله اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان بود که در نهایت موفق شده سه جایزه را به دست آورد. فیلم همچنین برنده جوایز بفتا و «گويا» (معادل اسپانیایی اسکار) شده است.

این فیلم برخلاف نامش، لایه‌های چندین پنهان و تودرتویی ندارد. قصه‌ای سراسرت و ساده که شاید بارها نظیرش را شنیده، خواننده یا دیده باشیم. اما «دل تورو» فیلم را با حتماتی از عالم بریان شروع کرده و ناگهان بیننده را در میانه واقعتی خشن و وحشیانه از جنگ‌های داخلی اسپانیا راه می‌سازد.

داستان فیلم در مورد دختر ۱۲ ساله‌ای موسوم به اولیبا (ایوانا باکرو) است که با مادر باردار و ناپسندی‌اش، یک نظامی فاشیست در زمان جنگ‌های داخلی دوران ژنرال فرانکو، دیکتاتور اسپانیا زندگی می‌کند. او روزی حمله‌ای شبیه یک پری می‌بیند که او را به یک «هزار تو» اسرارآمیز هدایت می‌کند که به دنیای زیرزمینی ختم می‌شود.



## ۲ ماه، ۲ هفته و ۲ روز

یک صحنه، یک کات و بدون موسیقی. فیلم درام و دلپره‌آور رومانیایی به کارگردانی کریستین مونگیو در سال ۱۹۸۷ و در زمان حکومت دیکتاتوری نیکولا کاشنکو و فضای رعب و وحشت حاکم بر آن کشور جریان دارد. دانشجویی به نام اولتیا (اناماریا مارینکا) می‌خواهد به دوستش، گابیتا (لورا واسیلیو) کمک کند که سقط جنینی غیرقانونی را انجام دهد. ریسک بزرگی که اگر به آن پی ببرند، محکوم به زندان می‌شوند و حال آنها محبوب‌ترند که این کار را از طریق نامناسب و غیرقانونی انجام دهند. همه اتفاق‌های این فیلم در یک روز دلخراش به وقوع می‌پیوندد و تأثیر این وقایع به‌حدی است که بیننده را به گونه‌ای در حالت تعلیق نگاه می‌دارد.

مونگیو فیلمش را به شیوه‌ای بسیار صریح و روان نشان می‌دهد، به‌طوری که در بیشتر اوقات دوربین در جایی ثابت است و تنها مشاهده می‌کند، اما کاملاً خوش‌ساخت و دیدنی است. این فیلم در جشنواره فیلم کن ۲۰۰۷ برنده نخل طلایی شد.



## زودیاک

دیوید فینچر این فیلم معمایی را براساس کتابی با همین نام به قلم رابرت گری اسمیت ساخته است. او که همه فیلم‌هایش نشانی از یک وسواس فکری دارند، در زودیاک سعی کرده نگاهی موشکافانه به جنایت و قتل داشته باشد.

داستان این فیلم در مورد قاتلی است که پسر و دختری را در خودروشان کشته است و به روزنامه سان فرانسیسکو کرونیکل نامه می‌فرستد و خود را به‌عنوان قاتل معرفی می‌کند.

زودیاک براساس جنایات خوفناک زودیاک در کالیفرنیا ساخته شده است. قاتل که هرگز دستگیر نمی‌شود، با بخشدگی سرخ‌های فراوانی را برای یک شلرلوک هولمز احتمالی فراهم می‌کند که در اتاقش نشیند و آنها را پیگیری کند. اما اینجا تنها کسی که به اندازه کافی کله‌شک است و سماجت دارد، یک کاریکاتورریست است که با کنار هم نهادن این سرخ‌ها، مدارک متقاعدکننده‌ای علیه کسی که شاید گناهکار باشد به دست می‌آورد.



## جایی برای پیر مرد دانست

بهترین فیلم برادران کوئن تمام عناصر یک فیلم هیجان‌انگیز را داراست و فیلم یک مطالعه شخصی است و نشان می‌دهد که چطور مردم با مردی بسیار بد، دی‌یوسف و بی‌احساس معامله می‌کنند. چیگور مردی بسیار خطرناک است و بعضی وقت‌ها مسخره هم به نظر می‌رسد.

جایی برای پیرمرد هانی نیست، برپایه رماتی با همین نسام از کورمک مک کارتی، نویسنده آمریکایی و به کارگردانی جوئل و اتان کوئن است. «آنتون چیگور» (باردم) قاتل بی‌رحمی است که هر کسی را که سر راهش قرار بگیرد، می‌کشد و به دنبال «ماس» و چمدانی است که حاوی دومیلیون دلار پول نقد است و متعلق به قاچاقچیان مواد مخدر بوده است.

شخصیت پردازی این فیلم عالی است و هیجان و داستان آن تا آخر بیننده را با خود همراه می‌کند.



## جدایی نادر از سیمین

درام پیچیده، درناک و جذاب اصغر فرهادی به گفته نیک جیمز سردبیر سایت‌اند ساوند، فیلمنامه‌های هیچ‌کامی مانند دارد. فیلمنامه‌ای که بیننده را دایما گول می‌زند و بعد غافلگیر می‌کند و مدام مسائل اخلاقی پیچیده‌ای را مطرح می‌کند، به‌طوری که شما هیچ‌وقت نمی‌فهمید مقصر چه

کسی بوده است! در هر صحنه از این فیلم پیچ‌وتاب بر سر جزئیات سرنوشت‌ساز داستان و معماهای اخلاقی آن را تجربه می‌کنیم و حتی برای لحظه‌ای مجال آن نداریم که خودمان را در کنار تنها یکی از چهره‌های فیلم قرار دهیم و صرفاً از او حمایت کنیم.

این فیلم محصول سال ۱۳۸۹ است و برنده اسکار بهترین فیلم غیر انگلیسی‌زبان در سال ۲۰۱۲ شد.



## در خشش ابدی یک ذهن پاک

خاموشی و فراموشی؛ فراموش کردن و به یاد آوردن هنرهایی هستند که تنها نوعی و دیوانگان به‌درستی از عهده آنها برمی‌آیند.

این موضوعی است که در فیلم رمانتیک و علمی-تخیلی «درخشش ابدی یک ذهن پاک» به آن پرداخته شده است.

چارلی کافمن و میشل گوندری در همکاری مشترک فیلمی ساخته‌اند که بر مبنای یک نگاه خاص به حافظه بنا شده است: هر خاطره یعنی یک نقطه نورانی در مغز؛ با این حساب، خاموشی نقطه نورانی یعنی فراموشی.

داستان فیلم از این قرار است: ابتدا کلمنتاین و سپس جول آگاهانه تصمیم به پاک کردن خاطرات مشترکشان می‌گیرند، اما حتی بعد از فراموشی یکدیگر، مجدداً به سمت هم کشیده شدند زیرا لکه نوری که در قلب آنها روشن شده بود، درخشش ابدی داشت.

این فیلم از سوی بسیاری از جشنواره‌ها، مراسم فرهنگی، انجمن‌ها و موسسات مورد تحسین قرار گرفته و جوایز زیادی نیز کسب کرده است.



## پسرانگی

شاهکار قرن ۲۱ بخش بزرگی از قرن ۲۱ را گرفت تا ساخته شود. بیش از یک دهه، ریچارد لیتکلیر به شخصیت‌پردازی میسون (الار کولترین) پرداخت. ساخت این فیلم در تابستان ۲۰۰۲ شروع و در اکتبر ۲۰۱۳ به پایان رسید. «پسرانگی» مانند این است که از درون دریچه‌ای به جزئیات خصوصی زندگی دیگران سرنگ بشکیم.

کارگردان به‌طور مداوم در یک دوره دوازده‌ساله با فیلمبرداری از الار کولترین که از کودکی به بزرگسالی می‌رسد، فیلم خود را ساخته است. وجه تمایز این فیلم در این است که زمانی که در واقعیت سپری می‌شود با زمان سپری شده روی پرده سینما برابر است.



## شهر اشباح

به‌سختی می‌توان اولویت یا برتری بین نیمه‌های

جذاب استودیو جیبلی قابل شد. اماهایانو میازاکی از عهده این کار به‌خوبی برآمده است. این کارگردان ژاپنی توانسته با ساخت انیمه‌ای در سبک خیالپردازی و درام، پر درآمدترین فیلم در تاریخ سینمای ژاپن را از آن خود کند. او یکی از برترین مولفان دنیای انیمه و در کل دنیای تصویرسازی‌های سینمایی است.

«شهر اشباح» روایتی بشدت شیرین، پرکشش، عمیق و جسدی دارد و می‌توان آن را دریایی از نمادپردازی‌های شگفت‌انگیز و دنیایی پر شده از مفاهیم فلسفی دانست.

داستان فیلم در مورد دختری ۱۰ ساله به نام چیهیرو او گینواست. او با والدینش آکیو و یوکو تازه به شهری جدیدی نقل مکان کرده‌اند و چیهیرو از این جابه‌جایی ناراضی است. آنها که با ماشین در حال حرکت هستند، راه خانه جدید را گم کرده و سسر از تونلی در جنگل درمی‌آورند. پس از پیاده شدن و گذر از این تونل به دلیل کنجکاو، آنها وارد مکانی سرسبز و آرام می‌شوند که در اصل گرمابه و استراحتگاه خدایان و ارواح دین ژاپنی شینتو است.



## خون به پا خواهد شد

پانزده دقیقه ابتدایی خون به پا خواهد شد پل توماس اندرسون، بدون هیچ دیالوگی صحنه‌هایی از تلاش دانیل را در سال ۱۸۹۸ نشان می‌دهد که برای یافتن طلا و نقره با زحمت زمین را می‌کند اما در کمال ناباوری به نفت می‌رسد.

دانیل پلین ویو (دی لوئیس) فردی جامعه‌گریز، منزوی و متعصب است که مصمم شده تا به هر شکل ممکن از گذشته و حتی خانواده و نزدیکانش فاصله بگیرد و فقط گوشه‌ عزلتی برای خود اختیار کند. هر تجربه بد، او را خشن‌تر می‌کند تا جایی که دیگر از زنجاندن فیجیع ناسپاسان و کشتن ریاکارانی که به سراغش می‌آیند، ابایی ندارد و فیلم پایان خونینی پیدا می‌کند.

خون به پا خواهد شد، صحنه‌هایی از ترس و تلخی و بیم، صحنه‌هایی از بی‌قراری و حيله‌گری، لحظه‌هایی نخواستار و پایدانی عجیب که فیلم خواستار آن است را در پی دارد.



## در حال و هوای عشق

وونگ کار وای بدون شک یکی از ایده‌لیست‌گراترین سینماگران جهان است، اما او با ساخت ژرف‌ترین اثر خود یعنی درحال و هوای عشق توانست راوی نوعی نگاه شرقی به مقوله عشق باشد. پس از دین فیلم، با حسی رمانتیک و عاشقانه سرگردان خواهید شد که شاید پیش از آن هرگز در دنیای سینما آن را تجربه نکرده باشید.

این شاهکار هنگ‌کنگی، روایتگر زن و مردی است که همسران خائنکار دارند اما در قلب خود، عاشق هم شده‌اند و در جدال عمیق هستند تا شبیه همسران خود نباشند. این دو عاشق که دیوانه‌وار همدیگر را دوست دارند، بدون هرگونه تماس جسمانی فقط اوقات خالی خود را با هم سر می‌کنند.

فیلمبرداری منحصر به فرد، لباس و صحنه‌ها که با دقت انتخاب شده‌اند، همگی دست در دست هم یک مولودم عاشقانه بی‌نظیر را رقم زده‌اند.



## جاده‌های ناند

دیوید لیتچ با فیلم نتو سنوار و معماری بی‌نظیر خود، عناصر فراواقعی را با ظرافت فوق‌العاده‌ای کنار هم چیده تا یک اثر ماندگار رقم بخورد.

جاده‌های ناند به پردازش سرکوب عذاب وجدان در بنسرت می‌پردازد، کما این که در طرف دیگر داستان، فساد موجود در هالیوود را نیز نشانه می‌رود و وضع بازیگر و کارگردان و کلا هنرمندان در سئیز با سرمایه‌داران و صاحبان کمپانی‌های بزرگ و بی‌عدالتی موجود را نمایان می‌کند.

در این فیلم نباید به دنبال داستان خطی و رابطه منطقی بین شخصیت‌ها باشیم چون موضوع کاملاً برعکس تصویر شده است. از سوی دیگر، آثار لیتچ آمیزه‌ای از رویا و حقیقت هستند و کاربرد مجاز برای پیشبرد داستان و شاید گره‌گشایی‌های از پیش امتحان شده بیشتر نمود دارد.

فیلم در یک جمع‌بندی؛ نقد انسان و امیال شیطانی اوست. انسانی که همیشه از موقعیتش راضی نیست و به عوامل بیرونی و درونی چنگ می‌اندازد تا در مسیری که جاده‌های ناند نام دارد و چیزی جز یک بن‌بست فطری نیست به آرزوهای خویش دست پیدا کند.